

آسیب‌شناسی رویکرد اصلاح طلبان

رمضان زاده: نگاه آرمان‌نگرایانه به قدرت را واقع‌بینانه کردیم



احساس نمی‌کنید با این سوء برداشت مواجه شوید که اصلاح طلبان از شعارهای آرمانی خود ممکن است عدول کرده باشند؟

اولاً من این روش را دور از آرمان نمی‌دانم، اگر هم واقعیت باعث عدول از آرمان شود؛ آن را هم موضوع بدی نمی‌دانم. دو مسأله متفاوت است؛ آن اتفاق افتاده با واقعیت بیشتر آشنا شدیم. وقتی خارج از قدرت قرار گرفتیم، فهمیدیم واقعیت قدرت چیست و بر اساس منطق جدیدی که منطق قدرت در کشور است و بنابر تحولاتی که بیرون از حوزه اختیارات ما اتفاق افتاده، تصمیم‌گیری جدید کردیم؛ نکته مهم این است که ما از آن اهداف اصلاح طلبی دست بردناشتیم. اهداف ما این است که در چارچوب نظام برخی از ایرادهای جدی وجود دارد که باید اصلاح شود. آن اصلاح فقط از مسیرهای قانونی و تدریجی و مدنی امکانپذیر است.

چه ایراداتی؟

اشکالات تقریباً روشن است؛ نحوه برخورد با مردم، آزادی‌های سیاسی، نحوه مشارکت مردم در حوزه‌های تصمیم‌گیری، دخالت برخی نهادها ناشی از قدرت خاص سیاسی در مسائل غیرمرتبط با آنها، دخالت نظامیان در قدرت، سیاست و اقتصاد؛ همه اینها مسائلی است که ما به دنبال اصلاح آن در سیستم هستیم و بر این باوریم که سیستم اصلاح‌پذیر است. نکته مهمی که ما بر آن تکیه می‌کنیم، این است که این سیستم اصلاح‌پذیر است.

در دوره‌های قبل تریخی از اصلاح طلبان اعتقاد داشتند که لازمه اصلاح طلبی این است که ما باید در ساختار حاکمیت و قدرت باشیم. دو دوره اخیر که اصلاح طلبان در قدرت نبودند به نوعی اصلاح طلبی خارج از قدرت و تأثیرپذیری از بیرون را پشت سر گذاشتند و به سمت پایگاه اجتماعی خود متمرکز شدید، چه تجربه جدیدی با اصلاح طلبی خارج از قدرت حاصل شد؟

ببینید یکسری اتفاقات خارج از حیطه خاص ما رخ می‌دهد و دخالتی در آن نداریم که در بیرون چه اتفاقی می‌افتد. نکته مهم این است که ما (اصلاح طلبان) توانستیم خود را با شرایط جدید کشور تطبیق دهیم یا خیر؟ ما در کشوری زندگی می‌کنیم که بیش از ۷۰ درصد از اقتصاد در اختیار دولت و بیش از ۸۰ درصد از اقتصاد در اختیار حاکمیت است؛ بنابراین اگر شما قبول داشته باشید که اقتصاد جزو مقوم زندگی مردم است، نمی‌توانید بدون اینکه در این ۸۰ درصد تأثیرگذاری داشته باشید، ادعای اصلاح در جامعه را داشته باشید. بنابراین هنوز هم حضور در قدرت و مذاکره با قدرت یکی از اصول اساسی اصلاح طلبی است و ما به آن باور داریم. اما نکته‌ای که وجود دارد، این است که این نباید باعث غفلت از بدنه جامعه شود. ممکن است بدنه جامعه خواست‌های افراطی‌تری

میرسان طباطبایی/ نام «عبدالله رمضان زاده» نیاز به معرفی چند کلمه‌ای معمول مصاحبه‌ها هم ندارد. برای گفت‌وگو با این چهره شناخته‌شده اصلاح طلب باید هم آمار و ارقام گذشته و حال اقتصاد را تمام و کمال بدانیم و هم حافظه جدول ضرب و ریاضیات سریع باشد؛ برای رسیدن پاسخ مورد نظر دکتر، در لحظه‌ای ممکن است با موقی از سوالات همراه شوی که آخرین سؤال و جواب می‌تواند نتیجه و پاسخ اصلی باشد. گفت‌وگو با او را از وضعیت اصلاح طلبان آغاز کردیم که می‌گوید: امروز بر خورد واقع‌بینانه‌تری نسبت به واقعیت «قدرت سیاسی» داریم و اشاره می‌کند: «هنوز هم حضور در قدرت و مذاکره با قدرت یکی از اصول اساسی اصلاح طلبی است.» وقتی او را با این جمله مورد سؤال قرار می‌دهیم که اگر دولتی مثل دولت یازدهم سال ۹۲ روی کار نمی‌آمد، پیش بینی شما از وضعیت کشور چه بود؟ پاسخش شفاف و روشن است: «من از خود شما شروع می‌کنم؛ اگر دولتی مثل دولت آقای روحانی بر سر کار نیامده بود، الان آقای رامین معاون مطبوعاتی بود.» مثال دیگر او این است که «اگر آقای روحانی نبود، ما الان در مرز افغانستان در صف خرید مواد غذایی بودیم، مانند نوز و نالی‌ها که در مرزها در انتظار خرید مواد غذایی از کشورهای همسایه و گواتمالا هستند.» این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم:

همین چارچوب هم می‌خواهیم فعالیت کنیم. روش‌های جدیدی که به کار می‌گیریم، گفت‌وگویی که با طرف مقابل شروع کردیم و پیشنهاد آشتی ملی که همین اواخر از طرف اصلاح طلبان مطرح شد، همه نشانه‌هایی از همین پختگی را دارد که ما به این جمع‌بندی قطعی رسیدیم که اداره کشور فقط توسط یک جناح امکانپذیر نیست. این مسیری است که تا امروز آمدیم و امیدواریم بتوانیم ادامه دهیم؛ افزون بر آنکه انحرافی از مسیر اصلاح طلبی خود نداشته باشیم.

شما پیشنهاد گفت‌وگو یا آشتی ملی را منبعت از برخورد های شدید با اصلاح طلبان می‌دانید یا جزئی از گفت‌وگو با اصلاح طلبان است؟

ما وقتی از اصلاح طلبی صحبت می‌کنیم، در واقع اصلاح مسیرهای خودمان هم مدنظر است؛ صرفاً نگاه انتقادی به طرف مقابل نداریم. ما (اصلاح طلبان) پس از سال ۸۴ در جبهه مشارکت طی یک دوره ۶ ماهه اقدام به نقد خودمان کردیم. امیدوارم روزی بتوانیم آن نقدها را منتشر کنیم. به عنوان یک حزب سیاسی در تمامی بخش‌ها و فعالیت‌ها به نقد خودمان پرداختیم.

به چه نتایجی رسیده بودید؟

چون الان حزب مشارکت فعال نیست، دوستانی که مسئولیت دارند، باید جزئیات آن را اعلام کنند.

فارغ از حزب مشارکت، شما به عنوان یک اصلاح طلب می‌توانید اشاره کنید در آسیب‌شناسی ما به چه نتایجی رسیدید؟

مهم‌ترین نکته این بود که قبل از ۸۴ و حتی پیش از سال ۸۸ برخورد ما با واقعیت قدرت برخورد آرمان‌نگرایانه بود اما امروز برخورد واقع‌بینانه‌تری نسبت به واقعیت «قدرت سیاسی» داریم. این واقع‌بینی به ما کمک کرده تا بتوانیم مسائل را درک کنیم و مسیر جدیدی برای حرکت روبه جلو طراحی کنیم.

آقای دکتر وقتی به مسیری طی شده از سوی جریان اصلاح طلب بویژه در دهه اخیر نگاه می‌کنیم، به نوعی می‌شود گفت تجربه‌های متفاوتی را پشت سر گذاشتند. این روند را چگونه می‌بینید؟ مجموعه اصلاح طلبان آسیب‌شناسی از روند کار خود داشته‌اند؟ الان در چه مرحله‌ای هستید؟

من می‌خواهم تعبیر آقای تاج‌زاده را به کار ببرم که ما پخته‌تر شدیم. به هر حال یک مسیری را آغاز کردیم و در این مسیر با فراز و نشیب‌های مختلفی روبه‌رو بودیم. برخوردهایی با ما شده است، موفقیت‌هایی به دست آوردیم، همه اینها باعث شده ما موفق‌تر از گذشته بتوانیم خود را از زیایی کنیم.

پختگی به چه معنا؟

پختگی به این معناست که ما مسیرمان را تغییر ندادیم، بلکه روش‌هایمان را عقلانی‌تر کردیم. اگر بخواهیم اصلاح طلبی را تعریف کنیم، آن را حرکت برای اصلاح امور کشور در چارچوب قانون اساسی بر اساس روش‌های عقلانی و تدریجی و مدنی می‌دانم. یکی از روش‌ها و مسیرهایی که باید می‌پیمودیم، گفت‌وگو با طرف مقابل و نشان دادن نیت‌ها و برنامه‌ها می‌باشد. ما در این کار غفلت کرده بودیم. طرف مقابل، نیت ما را بد خوانده بود یا نیت خوانی بد کرده بود. به همین دلیل برایش سوء تفاهمی ایجاد شد که نتیجه آن برخورد های شدید با ما بود.

منظور از طرف مقابل، گروه‌های رقیب اصلاح طلب است یا بخشی از حاکمیت؟

ما برخورد با خودمان را ناشی از رقابت می‌دانیم نه ناشی از برخورد حاکمیت با ما. منظور من رقیب‌مان است که در حاکمیت نفوذ کرده بود و بخشی از حاکمیت را در اختیار داشت؛ واقعیت این است که ما خودمان را بخشی از نظام جمهوری اسلامی می‌دانیم و در